

**Modeling the Styles of Coping with Marital Conflict based on the
Analysis of the Trend of Life Cycle Changes in Couples Seeking
Divorce¹**

Mohammad Kheirollahi², Asghar Jafari,³ Mohammad Ghamari,⁴ Vahideh Babakhani⁵

Received:13/10/2020

Accepted:10/03/2021

Abstract

Background and Aim: In the age of communication, one of the fields of increasing the quantity and quality of citizens' communication with the 110 Police Emergency Center and as a result receiving the correct meaning and transferring meaning to the executive units, is the inherent and acquired skills of operators of these centers. The purpose of this study is to identify and prioritize the skills required by the operators of 110 centers in order to establish a positive relationship between the police and citizens.

Method: The present study is an applied and survey-descriptive research. The statistical population of the study consisted of 300 managers, operators and users of the 110 Police Emergency Center of the Greater Tehran Disciplinary Command, and a statistical sample of 168 of them was randomly selected using a valid and reliable researcher-made questionnaire (with Cronbach's alpha coefficient of 932 / 0) were questioned. Data were analyzed using SPSS19 software and ranked using Friedman test.

Results and conclusion: The study showed that in most of the skills required by the 110 operators, except for educational and scientific skills that the female group had a higher average than men, the average scores of men and women are the same. Skills ranking based on Friedman test also showed that in the three main skills, human, perceptual and technical skills have priority, respectively. By prioritizing the skills required by the operators of Center 110, a positive communication between citizens and the police can be strengthened.

Keywords: Operator, Police Emergency Center, Police 110, Skills, Citizen

1 This article is extracted from the doctoral dissertation entitled "Designing a Family Performance Prediction Model, Marital Conflict Coping Style and Cognitive Flexibility Based on Analysis of Life Cycle Changes in Divorced Couples" Compiled in 2019.

2 PhD Student, Department of Counseling, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran m.kheyrollahi@chmail.ir

3 Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran

4 Associate Professor, Department of Counseling, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran

5 Assistant Professor, Department of Counseling, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran

مدل یابی سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی بر اساس تحلیل روند تغییرات چرخه زندگی در زوجین متقاضی طلاق

محمد خیرالهی^۱، اصغر جعفری^۲، محمد قمری^۳، وحیده باباخانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: برای پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آن در جامعه، با آگاهی از تعارضات زناشویی که برای خانواده به وجود می‌آید، می‌توان به فکر راه حلی برای جلوگیری از بروز تعارضات زناشویی شد. پژوهش حاضر به مدل‌یابی سبک‌های مقابله با تعارضات زناشویی بر اساس تحلیل روند تغییرات چرخه زندگی در زوجین متقاضی طلاق می‌پردازد.

روش: این پژوهش به صورت علی-مقایسه‌ای بر روی زوجین متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگاه خانواده در شش ماهه اول سال ۱۳۹۷ در استان آذربایجان شرقی انجام گرفته است. با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۰۰ زوج دارای ملاک‌های ورود به پژوهش به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش مراحل هفت‌گانه چرخه‌زندگی خانواده و پرسشنامه سبک مقابله با تعارضات زناشویی رحیم (ROCI-II) بود. داده‌ها با روش تحلیل واریانس یک‌راهه و رگرسیون منحنی درجه دوم با نرم افزار Spss تحلیل شدند.

یافته‌ها و نتایج: پژوهش نشان داد که تغییرات سبک مقابله با تعارضات زناشویی در مراحل گوناگون چرخه‌زندگی زوجین متقاضی طلاق معنادار است. بیشترین میزان سبک مقابله با تعارضات زناشویی در مراحل عقد و بدون فرزند می‌باشد. همچنین سبک مقابله با تعارضات زناشویی زوجین با ورود اولین فرزند کاهش می‌یابد و دارای کمترین مقدار در دوره نوجوانی فرزند است و در مرحله آشیانه خالی دوباره افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش بیان می‌کند که سبک مقابله با تعارضات زناشویی زوجین از مراحل چرخه زندگی خانوادگی تبعیت می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود زوج‌ها به آموزش مهارت‌های اجتماعی لازم به فرزند نوجوان توجه کنند و بعد از دوره نوجوانی فرزند، روابط خود را با اطرافیان دوباره بازسازی کنند.

واژه‌های کلیدی

چرخه زندگی، سبک مقابله با تعارضات، تعارضات زناشویی، طلاق، تحلیل روند

این مقاله از پایاننامه دکتری با عنوان «طراحی مدل پیش‌بینی عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارضات زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی براساس تحلیل روند تغییرات چرخه‌زندگی در زوجین متقاضی طلاق» استخراج شده که در گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، در سال ۱۳۹۸ تدوین شده است.

۱. دانشجوی دکترا، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، اهر، ایران m.kheyrollahi@chmail.ir

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
drasgharjafari@yahoo.com

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، اهر، ایران counselor_ghamari@yahoo.com

۴. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، اهر، ایران vahideh_babakhani@yahoo.com

مقدمه

تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی روبرو کرده است. نظریه پردازان تقسیم‌بندی گوناگونی از روند رشد و تحول خانواده داشته‌اند. چرخه زندگی خانوادگی^۱ روی تغییراتی تمرکز می‌کند که خانواده‌ها در طول زمان در ساختار و روابط شان، تجربه می‌کنند؛ خانواده‌ها در طول زمان، انتقال و مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذرانند که باعث به وجود آمدن روابط جدید در بین اعضاء می‌شود؛ به بیانی دیگر، همان‌طور که خانواده‌ها در مسیر زندگی خانوادگی پیش می‌روند، روابط درونی‌شان تغییر می‌کند (کلاین و وایت^۲، ۱۹۹۶؛ مک کارتی^۳، ۲۰۰۶).

نظریه تحولی خانواده در مطالعات مربوط به این حیطه، چارچوب منحصر به فردی محسوب می‌شود، چراکه مفهوم چرخه زندگی خانوادگی پایه‌ای برای بررسی خانواده‌ها در طول زمان فراهم می‌آورد. همچنین بر تکالیف تحولی فردی و اعضای خانواده در مراحل مختلف تاکید می‌کند و به تشخیص استرس‌های خانواده در دوره‌های اساسی می‌پردازد. در نتیجه می‌توان براساس چرخه زندگی خانوادگی، خدمات، حمایت‌ها و برنامه آموزشی برای خانواده فراهم آورد (میلز دواوال^۴، ۱۹۹۸). برای پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آن در جامعه و با آگاهی از تعارضات زناشویی که در هر دوره از تحول ممکن است برای خانواده به وجود آید، می‌توان به فکر راه حلی برای جلوگیری و بروز تعارضات زناشویی بود. به عبارت دیگر، با کشف تعارضات زناشویی می‌توان به شناخت نهادهای دخیل در این مسائل پرداخت و قدم‌های سازنده‌ای برای ایجاد راهکارهایی در جهت جلوگیری و یا حل آن‌ها برداشت (حاجی‌حیدری و همکاران، ۱۳۹۴). از این رو، برای پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آن در جامعه، باید عوامل مؤثر در گرایش به طلاق را شناسایی و برای حذف یا کم‌رنگ کردن این عوامل تلاش نمود و با توجه به اینکه تا به حال مطالعات محدودی مبنی

1 Family Life Cycle

2 Klein & J.M. White

3 Mc Carthy

4 Millis Duvall

بر بررسی نقش حمایت اجتماعی و مشکلات عاطفی زوجین در حال طلاق انجام شده است، به نظر می‌رسد این قبیل مطالعات بتوان کمک شایانی به کاهش احتمال وقوع طلاق در زوجین متعارض نماید. با توجه به این نکته که تاکنون پژوهشی به بررسی و اثربخشی سبک مقابله با تعارض زناشویی در طول تغییرات چرخه زندگی بروی زوجین متقاضی طلاق نپرداخته و مطالعات پیشین بدون در نظر گرفتن تغییرات چرخه زندگی به بررسی اثربخشی عوامل موثر در گرایش به طلاق پرداخته اند، انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع طلاق و افزایش روز افزون آمار طلاق در جامعه و به ویژه در استان آذربایجان شرقی (فولادی و شاه‌نعمتی، ۱۳۹۴)، بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی (تبریز) در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است و با به کار گرفتن روش تحلیل روند، این پژوهش به پیش‌بینی و بررسی سبک مقابله با تعارض زناشویی در طول تغییرات چرخه زندگی می‌پردازد.

مرور مبانی نظری: در این بخش به مرور مبانی نظری پژوهش پرداخته می‌شود.

چرخه زندگی: از نظر وارینگ^۱ (۲۰۱۵)، ازدواج منشاء ایجاد چرخه زندگی خانوادگی است. کارتر و مک گلدریک^۲ (۲۰۰۴)، چرخه زندگی خانوادگی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «روند رشد و تحول حیات خانواده که با گذر زمان شکل می‌گیرد». این مدل شامل کلیه ابعاد زندگی فردی است؛ لیکن بر خانواده به عنوان یک مجموعه تأکید می‌ورزد (نیکولز و نیکولز^۳، ۲۰۰۰). نظریه پردازان تقسیم‌بندی گوناگونی از روند رشد و تحول خانواده داشته‌اند. برای نخستین بار، اولین دووال^۴ (۱۹۶۷) مطرح کرد که خانواده از هشت مرحله عبور می‌کند و هر مرحله دارای تکالیف محوری خاص خود می‌باشد. این مراحل شامل دوران نامزدی و عقد، خانواده‌های بدون فرزند، خانواده‌های دارای فرزند پیش‌دبستانی، خانواده‌های دارای فرزند دبستانی، خانواده‌های دارای فرزند نوجوان، مرحله

1 Waring, E. M.

2 Carter & M. Mc Goldrick

3 W.C. Nichols & A. Nichols

4 M. Evelyn Duvall

ترک خانه توسط فرزندان، مرحله آشیانه خالی و خانواده‌های سالمند (از بازنشستگی تا مرگ) می‌باشند (قنبری پناه، شریف مصطفی و احمد، ۲۰۱۳).

تعارض: بر اساس لغت‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا، تعارض در روابط بین شخصی اشاره به عدم توافق، اختلاف و اصطکاک‌هایی دارد که در مواقعی که اعمال یا باورهای فرد یا افرادی برای افراد دیگر غیرقابل پذیرش باشد و مورد مقاومت قرار می‌گیرد، روی می‌دهد. تعارض در هر ازدواجی اجتناب‌ناپذیر است (وندنباس^۱، ۲۰۰۷)؛ با این وجود زوجین رضایتمند آن دسته زوجینی هستند که روشی را برای حل تعارض به صورت مؤثر یافته‌اند (نیمتز^۲، ۲۰۱۱). رضایت زن و شوهری برای ادامه زندگی مشترک یک عنصر حیاتی به شمار می‌رود (نصیری ده‌سرخی و موسوی، ۱۳۹۴). مطالعات نشان می‌دهند که رضایت زن و شوهری با بهزیستی همسران رابطه دارد (کار، فریدمن، کورنمن و اسکوارز^۳، ۲۰۱۴) و عاملی حفاظتی برای واحد خانواده محسوب می‌شود، کیفیت زندگی بهتر را رقم می‌زند (پلگ^۴، ۲۰۰۸) و قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی در بین تمام مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی است (هلر، واتسون و ایلز^۵، ۲۰۰۴).

معمولاً عوامل گوناگون فردی، اجتماعی، عاطفی و روان‌شناختی، پایداری و انسجام خانواده را تضعیف می‌کنند (آماتو، ماروت^۶، ۲۰۱۶). اگر چه زوجین در نخستین روزهای ازدواج احساس تعهد دایمی به یکدیگر می‌کنند، اما برخی از آن‌ها به مرور زمان دچار تعارض می‌شوند. تعارض زناشویی به عنوان تعامل بین زوج‌هایی در نظر گرفته می‌شود که علائق، دیدگاه‌ها و باورهای متضادی دارند. امانی (به نقل از تروپ^۷، ۲۰۰۸)، اظهار نموده که ۶۱ درصد افراد مطلقه، تعارض بیش از حد را یکی از دلایل طلاق خویش گزارش

1 Vanden Bos, G. R

2 Nimitz, Mark. A

3 Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N.

4 Peleg, O

5 Heller, D., Watson, D., & Ilies, R.

6 Amato, P. R., & Marriott, B. H

7 Troupe, F. Y

کرده‌اند (امانی، ۱۳۹۴). دیدگاه سیستمی، تعارض را ناشی از هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منابع قدرت در بین زوج‌ها می‌داند (آقایوسفی، فتحی آشتیانی، علی‌اکبری و ایمانی‌فر، ۱۳۹۴). هر چند تعارض در هر رابطه نزدیکی پرهیزناپذیر است، ولی پیش درآمد جدایی همسران، تعارضات زناشویی است که از بگومگوهای ساده آغاز شده و تا درگیری‌های سهمگین گفتاری، کشمکش، کتک کاری و گاهی شاید تا جدایی گسترش می‌یابد (آرین‌فر و پورشه‌ریاری، ۱۳۹۶). گاتمن و لوینسون^۱ (۲۰۰۰)، به نقل از دیوید^۲، (۲۰۱۵)، معتقدند با تحلیل ارتباط یک زوج می‌توان احتمال به بن‌بست رسیدن ازدواج و رسیدن به طلاق را پیش‌بینی کرد. اگر زوج‌ها بتوانند به شیوه مثبتی تعارضات را مدیریت کنند و توانایی حل آن‌ها را داشته باشند، وجود تعارض فراوان آسیب‌زا نیست (سیفرتز و شوارتز^۳، ۲۰۱۰). رابطه تعارض و رضایت زناشویی از پیشینه پژوهشی چندین ساله‌ای برخوردار است (کلیر، دش و تایلر^۴، ۲۰۱۱). تعارضات زناشویی، پیش‌درآمد جدایی زوج‌ها زوج‌ها محسوب می‌شود (حاجی‌حیدری، اسماعیلی و طالبی، ۱۳۹۴). در نتیجه شایع‌ترین جلوه تعارضات جدید، یعنی طلاق بروز می‌کند (بهاری، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، اخیراً در جامعه علمی گرایشی پیدا شده است که به جای تمرکز بر عوامل مؤثر بر طلاق زوجین، بر روی ازدواج‌های رضایتمند تمرکز کرده است. تمرکز بر زوجین رضایتمند، باعث به دست آمدن تصویری می‌شود که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های رضایتمند در جامعه سازنده باشد (نیمتز^۵، ۲۰۱۱).

سبک‌های مقابله‌ای تعارضات زناشویی: از بین عوامل مؤثر بر تعارضات زناشویی که به بروز طلاق منجر می‌شود، می‌توان به سبک‌های مقابله‌ای شناختی اشاره کرد. سبک‌های مقابله‌ای یکی از متغیرهایی است که بررسی و نقش آن نیازمند مطالعات طولی است. برای نمونه در بررسی کامرون، بانک، پیروف رودیگرز و براوو^۶ (۲۰۰۶)، مقایسه رابطه طولی و

1 Gottman, J. M. & Levenson, R. W.

2 David, P.

3 Siffert, A. & Schewartz, B.

4 Claire, WI. Dash, M. & Taylor, A.

5 Nimetz, Mark A.

6 Carmona, Buunk, Peiró, Rodríguez, Bravo

مقطعی سبک‌های مقابله با فرسودگی معلمان نشان داد که مطالعات طولی بهتر از مطالعات مقطعی می‌تواند به تبیین رابطه بین این دو بپردازد. بنابراین مناسب است همزمان با مطالعه مقطعی، مطالعات طولی که کمتر تحت تأثیر نوسانات رفتاری و روانی قرار دارند نیز انجام پذیرد.

از دیدگاه لازاروس و فولکمن^۱ (۱۹۸۴)، سبک‌های مقابله عبارت است از: تلاش‌های فکری، هیجانی و رفتاری فرد که هنگام رو به رو شدن با فشارهای روانی به منظور غلبه کردن، تحمل کردن و یا به حداقل رساندن عوارض استرس به کار گرفته می‌شود (دفاعی، ۱۳۷۶). لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴)، سبک‌های مقابله با استرس را به دو دسته کلی مسئله‌محور و هیجان‌محور تقسیم کرده‌اند. مقابله‌ای که فشارهای هیجانی را تسکین می‌دهد به عنوان هیجان‌محور و مقابله‌ای که فرد تلاش می‌کند تا عوامل به وجود آورنده این فشارهای هیجانی را تغییر دهد به عنوان مقابله مسئله‌محور تعریف می‌شود (به نقل از حنیفی و امینی، ۱۳۹۵). سلابی فرد، رافضی و حقیقت بیان (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی رابطه سبک‌های مقابله‌ای با ابعاد تعارضات زناشویی زنان شاغل و زنان خانه‌دار پرداختند. نتایج نشان داد که در زنان خانه‌دار، راهبرد مقابله با حل مساله رابطه منفی و معناداری دارد. در زنان شاغل، راهبردهای مقابله‌ای حل مسئله مدار، تنها با جداسازی امور مالی از یکدیگر همبستگی مثبت دارد و راهبرد مقابله‌ای هیجانی تنها با کاهش روابط جنسی ارتباط مثبت دارد. همچنین میانگین زنان شاغل در راه حل مقابله با مشکلات و راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار به طور معناداری بیشتر از میانگین زنان خانه‌دار بود و تفاوتی بین زنان شاغل و خانه‌دار در راهبردهای مقابله‌ای اجتناب‌ناپذیر وجود نداشت.

طلاق: طلاق، شایع‌ترین تاثیر مخرب تعارض زناشویی است و آمار بالای طلاق در کشورهای غربی گواه آن است، به طوری که شیوع آن به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد (دی ویوجست^۲، ۲۰۱۷). براساس آمار رسمی در ایران از هر هزار مورد ازدواج، حدود دویست مورد به طلاق منجر می‌شود (نریمانی، عباسی، بگیان، کله مرز و بختی، ۱۳۹۳)، همچنین

1 Lazarus, s. & S. folkman

2 De Vuijst, J.

طبق آمارهای ثبت احوال کشور، فقط در شانزده سال اخیر، نزدیک به یک میلیون طلاق در ایران روی داده است که در نتیجه آن، حدود دو میلیون زن و مرد، فقط در همین دو دهه گذشته، واقعه طلاق را در ایران تجربه کرده‌اند. در این راستا جامعه ایرانی نیز در دو دهه اخیر به رغم تمام سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، به سمتی در حال حرکت است که روز به روز بر تعداد افراد مطلقه افزوده می‌شود (نریمانی، و همکاران، ۱۳۹۳).

توجه به طلاق نه تنها از دیدگاه فرد، بلکه از دیدگاه جامعه، فرهنگ، اقتصاد و حتی جمعیت قابل اعتنا است. متأسفانه از منظر نسبت طلاق به ازدواج، ایران یکی از هفت کشور اول دنیا است (احمدی موحد، ۱۳۸۷). نرخ طلاق در چند دهه اخیر افزایش پیدا کرده است و تقریباً به صورت گسترده در جهان رو به افزایش است (سبارا و کوئن، ۲۰۱۷) و شیوع بالای متقاضی طلاق در زوجین ایرانی (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷)، سیر صعود طلاق را نشان می‌دهد. سیر صعودی آمار طلاق، انگیزه پژوهشگران را برای یافتن عوامل و راهکارهای مناسب برای مقابله با آن افزایش داده است. برای اصلاح و بهبود الگوهای ارتباطی زوجین، اثربخشی عوامل موثر در گرایش به طلاق مورد بررسی قرار گرفته و هر مطالعه بر اساس تبیین‌های خاص خود روش‌های آموزشی، انگیزشی و درمانی متفاوتی را برای پیشگیری از طلاق پیشنهاد داده است. برای پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آن در جامعه، باید عوامل مؤثر در گرایش به طلاق را شناسایی و برای حذف یا کمرنگ کردن این عوامل تلاش نمود و با توجه به اینکه تا به حال مطالعات محدودی مبنی بر بررسی نقش حمایت اجتماعی و مشکلات عاطفی زوجین در حال طلاق انجام شده است، به نظر می‌رسد این قبیل مطالعات بتواند کمک شایانی به کاهش احتمال وقوع طلاق در زوجین متعارض نماید.

باتوجه به اینکه سبک مقابله با تعارض زناشویی زوجها به‌عنوان مفهومی شناختی به همسران کمک می‌کند تا بین کارکردهای عقلانی، صمیمیت و خودمختاری در روابط زناشویی خود تعادل برقرار کنند، می‌تواند در روابط بین زوجها نقش سازنده و کارآمدی

داشته باشد و بر سطح رضایت‌مندی زناشویی آنان تاثیر بگذارد (خیراللهی و همکاران، ۱۳۹۸). بررسی‌ها نشان می‌دهد که کمتر پژوهشی به بررسی اثربخشی عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارضات زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی در طول تغییرات چرخه زندگی بر روی زوجین متقاضی طلاق پرداخته و بیشتر مطالعات پیشین بدون در نظر گرفتن تغییرات چرخه زندگی به بررسی اثربخشی عوامل موثر در گرایش به طلاق صورت گرفته است (خیراللهی و همکاران، ۱۳۹۸). فولادی و شاه‌نعمتی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی (تبریز) پرداخته و نشان دادند همه عوامل طلاق در چهار دسته جای می‌گیرند که به ترتیب عبارتند از: عوامل اجتماعی (۴۰٪)، عوامل شخصی و فردی (۳۴٪)، عوامل اقتصادی (۱۳٪) و عوامل فرهنگی (۱۰٪). بنابراین بر مبنای نتایج بیشتر مطالعات مقطعی پیشین و با توجه به اهمیت موضوع طلاق و افزایش روز افزون آمار طلاق در جامعه و به ویژه در استان آذربایجان شرقی، با استناد به پژوهش فولادی و شاه‌نعمتی (۱۳۹۴)، خیراللهی و همکاران (۱۳۹۸)، و نقش مهم سبک مقابله با تعارضات زناشویی در بین زوجین، این پژوهش با به کار گرفتن روش تحلیل روند، تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که آیا تغییرات چرخه زندگی می‌تواند سبک مقابله با تعارضات زناشویی را در زوجین متقاضی طلاق پیش‌بینی کند؟

پیشینه پژوهش: در ارتباط با سبک مقابله با تعارضات زناشویی و رضایت‌مندی زناشویی، تحقیقاتی انجام شده است که در این بخش به مرتبط‌ترین آن‌ها با توجه به موضوع این پژوهش، اشاره می‌شود.

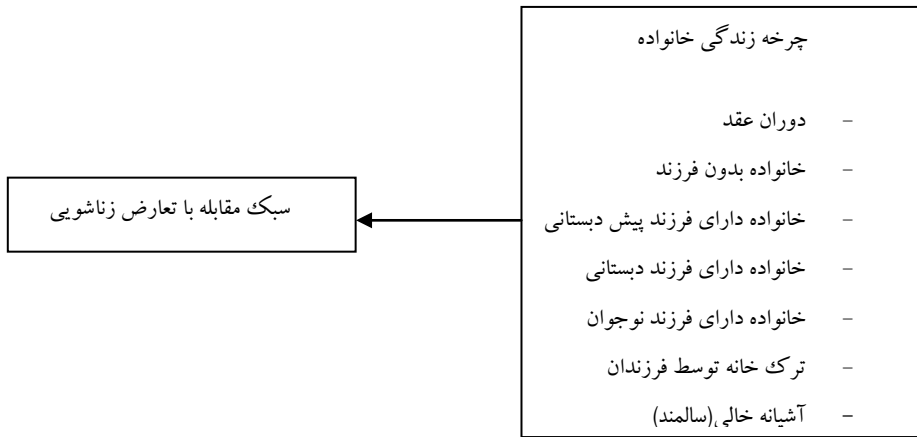
سلایی فرد، رافضی و حقیقت‌بیان (۱۳۹۳)، پژوهشی با هدف تعیین رابطه سبک‌های مقابله‌ای با ابعاد تعارضات زناشویی زنان شاغل و زنان خانه‌دار انجام داده و نشان دادند که در زنان خانه‌دار، راهبرد مقابله‌ای مساله‌مدار، رابطه منفی و معناداری با افزایش واکنش‌های عاطفی، افزایش حمایت از فرزند، کاهش رابطه با بستگان همسر و دوستان و جداسازی امور مالی از یکدیگر دارد. همچنین راهبرد مقابله‌ای احساسی، همبستگی مثبتی با تمامی خرده‌مقیاس‌های تعارضات زناشویی دارد. راهبرد مقابله‌ای اجتناب‌ناپذیر نیز رابطه مثبت و

معناداری با کاهش مشارکت، کاهش رابطه جنسی و افزایش حمایت از فرزند دارد و رابطه منفی و معناداری با جداسازی امور مالی از یکدیگر دارد. در مورد زنان شاغل، راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار، تنها با جداسازی امور مالی از یکدیگر و راهبرد مقابله‌ای هیجانی تنها با کاهش روابط جنسی ارتباط مثبت دارد. راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی هم رابطه مثبت و معناداری با افزایش رابطه شخصی با بستگان و کاهش ارتباط با بستگان همسر و دوستان دارد و ارتباط معنی‌داری با سایر خرده مقیاس‌های تعارضات زناشویی ندارد. همچنین میانگین زنان شاغل در راه حل مقابله با مشکلات و راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار به طور معنی‌داری بیشتر از میانگین زنان خانه‌دار بود و تفاوتی بین زنان شاغل و خانه‌دار در راهبردهای مقابله‌ای اجتناب‌ناپذیر وجود ندارد.

فتحی، اسمعیلی، فرحبخش و دانش‌پور (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای به بررسی حیطه‌های تعارض و استراتژی‌های حل آن در زوجین رضایتمند پرداختند. پژوهش آن‌ها پنج مضمون را آشکار کرد که عبارتند از: ۱) تعارض‌های مرحله پیش از ازدواج، ۲) تعارض‌های مرحله نامزدی، ۳) تعارض‌های مرحله اولیه ازدواج، ۴) تعارض‌های مرحله ثانویه ازدواج، ۵) راهبردهای سازنده برای حل تعارض‌های زناشویی و خانوادگی (روشن‌سازی، حمایت از همسر و منظومه زن و شوهری، سازگاری، جبران، افزایش استقلال، آرام‌بخشی، بهره‌گیری از منابع حمایتی). آن‌ها ادعا کردند که با شناسایی تعارضات زناشویی در مراحل مختلف می‌توان مداخلات پیشگیرانه و درمانی متناسب با هر مرحله را طراحی نمود. همچنین راهبردهای حل تعارض مؤثر می‌تواند در مباحث آموزشی و زوج درمانی مورد توجه قرار گیرد.

قادری، تبریزی و احقر (۱۳۸۸)، در پژوهشی به بررسی اثربخشی خانواده درمانی ستیر بر تغییر سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی بر روی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره دولتی شهر شیراز پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که اجرای الگوی خانواده درمانی ستیر موجب کاهش سبک مقابله با تعارض هیجانی، سبک اجتنابی، سبک مقابله با تعارض متخاصم و افزایش سبک مقابله با تعارض موثق می‌شود.

کاظمیان، شریعتی، اسمعیلی و فرحبخش (۱۳۹۲)، در پژوهشی به طراحی الگوی آموزشی حل تعارض خانواده بر مبنای دیدگاه انسان‌شناسانه پرداختند. نتایج این پژوهش الگوی آموزشی را متشکل از سه محور اصلی ارائه داد که عبارتند از: باور، اخلاق (درون فردی)، اعمال و هر کدام نیز شامل زیرمقوله‌ها و روابطی مختص خود است. مدل مفهومی پژوهش: بر اساس مبانی نظری مورد بررسی در این پژوهش، مدل مفهومی پژوهش به شکل نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش

این پژوهش به صورت علی-مقایسه‌ای بر روی زوجین متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگاه خانواده در شش ماهه اول سال ۱۳۹۷ در استان آذربایجان شرقی انجام گرفته است. با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۰۰ زوج دارای ملاک‌های ورود به پژوهش به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش مراحل هفت‌گانه چرخه زندگی خانواده و پرسشنامه سبک مقابله با تعارض زناشویی رحیم (ROCI-II) بود. داده‌ها با روش تحلیل واریانس یکراهه و رگرسیون منحنی درجه دوم با نرم افزار Spss تحلیل شدند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: در این مطالعه داده‌های مربوط به ۲۰۰ زوج (۴۰۰ شرکت کننده) تحلیل شد. یافته‌های توصیفی در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است. با توجه به جدول ۱، بیشترین

فراوانی سنی شامل زوجین دارای بازه سنی ۲۶ تا ۳۰ و بیشترین فراوانی تحصیلی شامل گروه دارای تحصیلات کارشناسی است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۶۲	۱۵/۵	۱۵/۵
	۲۶ تا ۳۰ سال	۱۸۶	۴۶/۶	۶۲/۱
	۳۱ تا ۳۵ سال	۹۸	۲۴/۶	۸۶/۷
	۳۶ تا ۴۰ سال	۴۰	۱۰	۹۶/۷
	بیشتر از ۴۰ سال	۱۴	۳/۳	۱۰۰
	کل	۴۰۰	۱۰۰	
تحصیل	کمتر از دیپلم	۱۲۶	۳۱/۶	۳۱/۶
	دیپلم و فوق دیپلم	۱۱۲	۲۸/۱	۵۹/۶
	کارشناسی	۱۴۲	۳۵/۶	۹۵/۲
	کارشناسی ارشد	۲۰	۴/۸	۱۰۰
	کل	۴۰۰	۱۰۰	

در جدول ۲، وضعیت پاسخگویان از نظر چرخه زندگی ارائه شده است. با توجه به نتایج به دست آمده بیشترین افراد پاسخگو در مرحله دوره خانواده‌های بدون فرزند متقاضی طلاق هستند.

جدول ۲: فراوانی پاسخگویان از نظر چرخه زندگی

مراحل چرخه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
دوره آشنایی یا نامزدی	۷۶	۱۹	۱۹
خانواده‌های بدون فرزند	۹۶	۲۴	۴۳
خانواده‌های دارای فرزند پیش دبستانی	۶۸	۱۷	۶۰
خانواده‌های دارای فرزند دبستانی	۵۶	۱۴	۷۴
خانواده‌های دارای فرزند نوجوان	۵۰	۱۲/۵	۸۶/۵
ترک خانه توسط فرزندان	۳۶	۹	۹۵/۵
آشپانه خالی	۱۸	۴/۵	۱۰۰
کل	۴۰۰	۱۰۰	

یافته‌های استنباطی: در راستای تحلیل استنباطی و آزمون سؤال پژوهش از آزمون‌های کولموگوروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و روش تحلیل روند و تحلیل واریانس یکراهه با استفاده از رگرسیون منحنی درجه دوم برای تهیه مدل و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. در ادامه به کمک آزمون‌های آماری، به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده می‌شود.

سؤال پژوهش؛ آیا تغییرات چرخه زندگی می‌تواند سبک مقابله با تعارض زناشویی را در زوجین متقاضی طلاق پیش‌بینی و مدل‌بندی کند؟

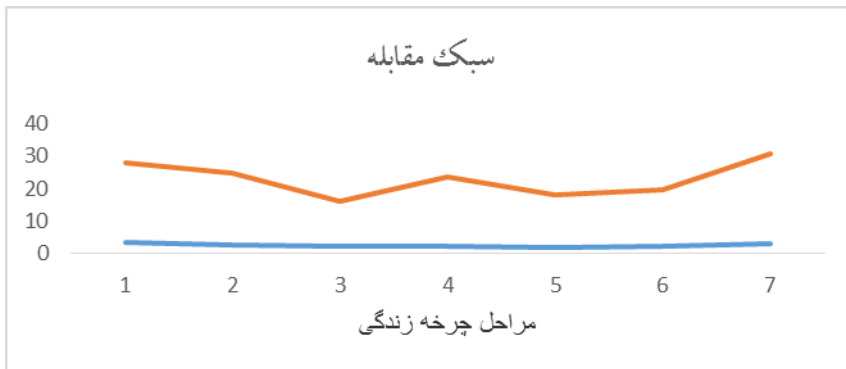
برای پاسخ به این پرسش، بررسی رابطه بین متغیر سبک مقابله با تعارض زناشویی (زیرمقیاس‌ها) و مراحل مختلف چرخه زندگی با روش تحلیل رگرسیون منحنی^۱ انجام گرفت. در این روش مراحل چرخه زندگی خانواده به عنوان متغیر پیش‌بین و متغیرها به عنوان متغیر ملاک وارد تحلیل شدند. از آنجا که تحلیل درجه دوم منحنی در مورد متغیرهای ملاک، F معناداری را در تحلیل درجه دوم نشان داد، لازم است نتایج تحلیل واریانس یکراهه تک متغیره در هر یک از موارد بررسی شود.

جدول ۳: نتایج آزمون‌های تحلیل واریانس یکراهه و آزمون تعقیبی توکی

P	F	سالمندی حداقل حداکثر	آشیان خالی حداقل حداکثر	نوجوان حداقل حداکثر	دبستانی حداقل حداکثر	پیش دبستان حداقل حداکثر	بدون فرزند حداقل حداکثر	عقد کرده حداقل حداکثر	زیر مقیاس
۰/۰۰۹	۴/۶۳۵	۱/۰۱۳ ۳/۲۱۳	۱/۳۲۰ ۴/۲۳	۱/۰۲۸ ۳/۹۱۲	۱/۹۹ ۲/۲۹	۱/۷۶ ۴/۰۵	۱/۹۶ ۲/۹۶	۱/۶۷ ۴/۶۰۲	سبک مقابله با تعارض
۰/۰۰۰	۵/۰۷۸	۲/۱۹۶ ۴/۸۶	۲/۷۴ ۴/۳۴	۲/۳۹ ۴/۷۳	۱/۴۴ ۳/۵۲	۲/۲۰ ۴/۵۵	۲/۹۹ ۴/۲۶۰	۲/۴۵ ۴/۸۰	سبک یکپارچگی
۰/۰۰۹	۲/۹۰۶	۱/۷۰۷ ۴/۰۰۴	۱/۴۳ ۳/۳۸	۱/۰۶ ۳/۶۵	۱/۴۱ ۳/۶۴	۱/۶۲ ۲/۳۳	۲/۰۴۱ ۳/۲۴	۱/۴۶ ۴/۱۳۰	سبک اجتنابی
۰/۰۰۳	۵/۳۲۵	۲/۱۴ ۴/۴۶	۱/۷۸ ۲/۵۶۰	۱/۸۴ ۳/۵۴	۱/۸۶ ۲/۷۵	۱/۴۳۲ ۲/۰۶۶	۱/۳۲ ۴/۶۰۶	۱/۸۳۷ ۴/۱۷۶	سبک مسلط
۰/۰۰۰	۶/۸۳۲	۲/۵۱ ۵/۰۰۰	۱/۵۷ ۴/۵۴	۱/۸۳ ۲/۹۶۱	۱/۵۱۶ ۲/۵۰۷	۲/۰۹۹ ۲/۷۰۷	۱/۸۴ ۴/۰۷۲	۲/۳۰۷ ۴/۵۰۵	سبک مصالحه

۰/۰۷۳	۳/۳۷	۳/۳۶	۲/۶۳	۳/۲۰۴	۲/۹۳	۲/۸۶	۴/۰۸۲	۴/۳۱	سبک ملزم شده
		۴/۲۲	۳/۳۵	۲/۳۸	۱/۷۵۰	۲/۹۱۶	۳/۲۳	۴/۴۱۸	

داده‌های توصیفی و نتایج تحلیل واریانس یکراهه برای سبک مقابله با تعارض خانواده و هریک از زیرمقیاس‌های سبک مقابله با تعارض خانواده در جدول ۳ ارائه شده است. داده‌های این تحلیل نشان می‌دهند که در سبک مقابله با تعارض خانواده، بین زیرمقیاس‌های سبک یکپارچگی، سبک مسلط و سبک مصالحه، در دوره‌های مختلف چرخه زندگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.



نمودار ۱: تحلیل روند مراحل چرخه زندگی و سبک مقابله

نگاهی به نمودار ۱، سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی در طول چرخه زندگی را در مراحل اولیه (مرحله آشنایی یا عقد و مرحله فرزند پیش‌دبستانی) و انتهایی (آشیان خالی) نمایان می‌سازد. عملکرد خانواده بعد از مرحله آشنایی و عقد تنش‌هایی مخصوص خودش را دارا است، در مرحله خانواده دارای فرزند پیش‌دبستانی به کمترین میزان خود می‌رسد که با ورود فرزندان به دبستان دوباره سیر صعودی پیدا می‌کند. همچنین در مرحله خانواده دارای فرزند نوجوان، دارای کمترین میزان می‌باشد که با خروج فرزندان از خانواده سیر صعودی در پیش می‌گیرد و در مرحله آشیانه خالی دوباره به بیشترین میزان خود می‌رسد. تحلیل روند بیانگر آن است که در مرحله خانواده با فرزند پیش‌دبستانی و همچنین مرحله خانواده دارای فرزندان نوجوان در چرخه زندگی خانواده، تعارض زناشویی در بیشترین مقدار خود وجود دارد که این باعث می‌شود که خانواده‌ها از سبک‌های مقابله استفاده

کنند. تغییرات روند سبک مقابله در طول مراحل چرخه زندگی نشان‌دهنده روند منحنی این تغییرات می‌باشد که با استفاده از رگرسیون منحنی درجه دوم آزمون و معادله منحنی آن در ادامه به دست آمده است.

جدول ۴ ضریب تاثیر متغیر چرخه زندگی ($B=1/19$) و آماره t را نشان می‌دهد.

جدول ۴: ضرایب تاثیر، بتا، و ارزش t

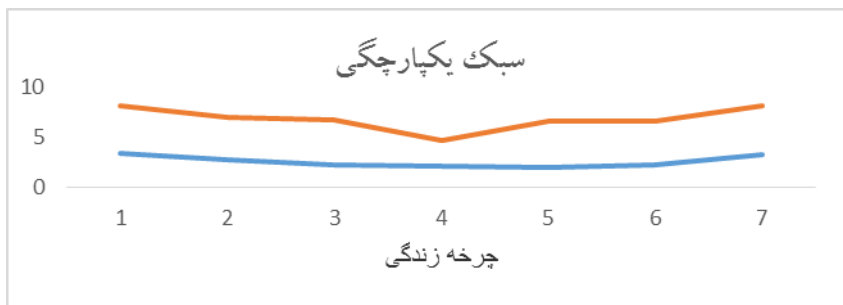
متغیر	B	β	SD	t	سطح معنی‌داری
چرخه زندگی خانواده	۱/۱۹	۲/۳۴	۰/۲۳	۴/۸۲	۰/۰۰۹

سبک مقابله با تعارض زناشویی می‌تواند تغییرات مربوط به سبک مقابله با تعارض زناشویی را به میزان ۱۸ درصد پیش‌بینی کند (جدول ۵). معادله منحنی یاد شده به این ترتیب خواهد بود:

$$Y=48/5+9/9X+1/19X^2$$

جدول ۵: تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون چرخه زندگی بر متغیر سبک مقابله

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معنی‌داری	R	R^2	SE
رگرسیون	۱۲۰۰/۸۹	۲	۵۹۹/۲۳	۱۴/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۴۲	۰/۱۸	۷/۰۴
باقی مانده	۵۱۸۳/۲۱	۳۶۸	۴۷/۶۹					



نمودار ۲: تحلیل روند مراحل چرخه زندگی و سبک یکپارچگی

نمودار ۲، سبک یکپارچگی و سبک مقابله با تعارض زناشویی در طول چرخه زندگی را در مراحل اولیه (مرحله آشنایی یا عقد) و انتهای (مرحله آشیان خالی) نمایان می‌سازد. سبک یکپارچگی بعد از مرحله آشنایی و عقد که تنش‌های مخصوص خودش را دارا است، تا قبل از ورود فرزندان به خانواده سیر ثابتی داشته، در مرحله فرزندان دبستانی به کمترین میزان خود می‌رسد و با بزرگ‌تر شدن فرزندان سیر نزولی و حالت ثبات پیدا می‌کند و با خروج فرزندان از خانواده سیر صعودی در پیش می‌گیرد و در مرحله آشیانه خالی باز به بیشترین میزان خود دست می‌یابد. تغییرات روند سبک یکپارچگی در طول مراحل چرخه زندگی نشان‌دهنده روند منحنی این تغییرات می‌باشد که با استفاده از رگرسیون منحنی درجه ۲ آزمون و معادله منحنی آن در ادامه به دست آمده است.

جدول ۶ ضریب تاثیر متغیر چرخه زندگی ($B=0/45$) و آماره t را نشان می‌دهد.

جدول ۶: ضرایب تاثیر، بتا، و ارزش t

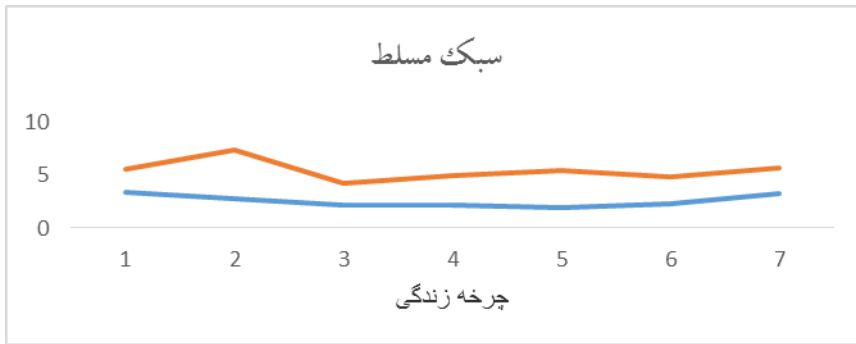
متغیر	B	β	SD	t	سطح معنی‌داری
چرخه زندگی خانواده	۰/۴۵	۱/۹۵	۰/۲۲	۱/۹۹	۰/۰۰۰

بعد سبک یکپارچگی، سبک مقابله با تعارض زناشویی می‌تواند تغییرات مربوط به بعد سبک یکپارچگی سبک مقابله با تعارض زناشویی را به میزان ۱۱ درصد پیش‌بینی کند (جدول ۷). معادله منحنی یاد شده به این ترتیب خواهد بود:

$$Y=48/5+9/9X+1/19X^2$$

جدول ۷: تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون سبک یکپارچگی بر متغیر چرخه زندگی

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معنی‌داری	R	R^2	SE
رگرسیون	۲۵۲/۹۲	۲	۱۲۳۳/۹۸	۳/۳۱	۰/۰۰۵	۰/۱۹	۰/۰۳	۶/۷۹
باقی مانده	۶۱۷۵/۸۳	۳۶۸	۴۲/۹۹					



نمودار ۳: تحلیل روند مراحل چرخه زندگی و سبک مسلط

نمودار ۳، سبک مسلط مقابله با تعارض زناشویی در طول چرخه زندگی را در مراحل خانواده بدون فرزند و مرحله انتهایی چرخه زندگی (مرحله آشیان خالی) نمایان می‌سازد. سبک مسلط بعد از مرحله آشنایی و عقد سیر نزولی به خود گرفته و بیشترین مقدار خود در طول چرخه زندگی را در مرحله خانواده بدون فرزند تا قبل از ورود فرزندان به خانواده دارا است. در مرحله فرزند پیش دبستانی به کمترین میزان خود می‌رسد که با بزرگ‌تر شدن فرزندان دوباره آغاز به سیر نزولی نموده و حالت ثبات پیدا می‌کند؛ بعد از مرحله خانواده دارای فرزند نوجوان سیر نزولی پیش می‌گیرد و با خروج فرزندان از خانواده سیر صعودی در پیش گرفته و در مرحله آشیانه خالی باز به بیشترین میزان خود می‌رسد. تغییرات روند سبک مسلط در طول مراحل چرخه زندگی نشان‌دهنده روند منحنی این تغییرات می‌باشد که با استفاده از رگرسیون منحنی درجه ۲ آزمون و معادله منحنی آن در ادامه به دست آمده است.

جدول ۸ ضریب تاثیر متغیر چرخه زندگی ($B=0/93$) و آماره t را نشان می‌دهد.

جدول ۸: ضرایب تاثیر، بتا، و ارزش t

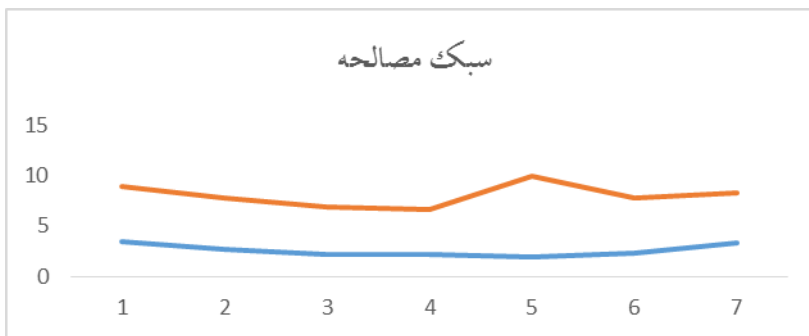
متغیر	B	β	SD	t	سطح معنی داری
چرخه زندگی خانواده	0/93	2/04	0/25	4/02	0/003

بعد سبک مسلط، سبک مقابله با تعارض زناشویی می‌تواند تغییرات مربوط به بعد سبک مسلط سبک مقابله با تعارض زناشویی را به میزان ۵ درصد پیش‌بینی کند (جدول ۹). معادله منحنی یاد شده به این ترتیب خواهد بود.

$$Y=35/2+7/18X+0/93X^2$$

جدول ۹: تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون چرخه زندگی بر متغیر سبک مسلط

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معنی‌داری	R	R^2	SE
رگرسیون	۸۸۴/۵۲	۲	۴۴۲/۲۶	۱۲/۳۱	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۰۵	۷/۱۹
باقی‌مانده	۶۲۰۹/۲۸	۳۶۸	۱۶/۸۸					



نمودار ۹: تحلیل روند مراحل چرخه زندگی و سبک مصالحه

نمودار ۴ سبک مصالحه، مقابله با تعارض زناشویی در طول چرخه زندگی را در مراحل اولیه (مرحله آشنایی یا عقد) و انتهای چرخه زندگی (مرحله آشیان خالی) نمایان می‌سازد. سبک مصالحه بعد از مرحله آشنایی و عقد که تنش‌های مخصوص خودش را دارا است، تا قبل از ورود فرزندان به دبیرستان سیر ثابت نزولی داشته، در مرحله فرزندان دبستانی به کمترین میزان خود می‌رسد، با بزرگ‌تر شدن فرزندان دوباره سیر صعودی پیدا می‌کند و به بیشترین مقدار خود در مرحله خانواده دارای فرزندان نوجوان می‌رسد. و در نهایت با خروج فرزندان از خانواده سیر صعودی در پیش می‌گیرد و در مرحله آشیان خالی باز به بیشترین میزان خود دست می‌یابد. تغییرات روند سبک مصالحه در طول مراحل

چرخه‌زندگی نشان‌دهنده روند منحنی این تغییرات می‌باشد که با استفاده از رگرسیون منحنی درجه ۲ آزمون و معادله منحنی آن در ادامه به دست آمده است. جدول ۱۰ ضریب تاثیر متغیر چرخه زندگی ($B=۰/۶۹$) و آماره t را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: ضرایب تاثیر، بتا، و ارزش t

متغیر	B	β	SD	t	سطح معنی داری
چرخه زندگی خانواده	۰/۶۹	۱/۲۴	۰/۲۲	۳/۷۲	۰/۰۰۰

بعد سبک مصالحه، سبک مقابله با تعارض زناشویی می‌تواند تغییرات مربوط به بعد سبک مصالحه سبک مقابله با تعارض زناشویی را به میزان ۸ درصد پیش‌بینی کند (جدول ۱۱). معادله منحنی یاد شده به این ترتیب خواهد بود:

$$Y=۳۳/۵۸+۸/۰۵X+۰/۶۹X^2$$

جدول ۱۱: تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون متغیر سبک مسلط بر چرخه‌زندگی

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معنی داری	R	R^2	SE
رگرسیون	۲۸۲/۵۲	۲	۱۴۱/۲۶	۱۱/۳۱	۰/۰۱	۰/۲۹	۰/۰۸	۷/۱۹
باقی مانده	۱۸۴۸۰/۹۶	۳۶۸	۵۰/۲۲					

یافته‌ها نشان می‌دهد که روند تغییرات متغیر سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی و ابعاد آن در طول چرخه زندگی خانواده متفاوت است. رابطه منحنی در همه متغیرها به لحاظ آماری معنادار و در برخی زیرمقیاس‌های متغیرها روابط منحنی و خطی از معناداری آماری لازم برخوردار نبودند و ثبات نسبی در روند تغییرات آن‌ها وجود داشت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی با چرخه‌زندگی خانوادگی رابطه مثبت و معناداری دارد. روند میزان سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی با چرخه زندگی در هر بعدی شامل تغییراتی متفاوتی می‌باشد و بطور کلی ماکزیمم مقدار در مراحل آشنایی یا عقد و آشیانه خالی می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش طراحی مدل و نشان دادن تغییرات تعارض بین زوجین در طول چرخه زندگی خانواده با استفاده از روش تحلیل روند بود؛ به لحاظ بالینی، آگاهی متخصصان از تغییرات مورد انتظار در مسیر زندگی زناشویی می‌تواند به تصمیم‌گیری بهتر هم در حوزه درمان و هم آموزش زوجین کمک شایانی کند. آگاهی از تغییراتی که می‌توان آن‌ها را بخشی طبیعی از زندگی زناشویی در طول زمان دانست، این نگاه مثبت را به همراه دارد که این نوسانات در رضایت زناشویی خاص یک زوج نبوده و دارای الگویی در جامعه بزرگ‌تر یا حتی جهانی است. این شناخت به خودی خود می‌تواند تسکین‌بخش و راه‌گشا باشد و به زوجین نشان دهد مشکل پیش رو می‌تواند بخش طبیعی از زندگی باشد که مستلزم کنار آمدن و کسب مهارت‌های متناسب با هر مرحله زندگی است.

روند تغییرات نشان داد که حضور فرزندان صرف‌نظر از سن آن‌ها رابطه منفی با میزان سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی در طول چرخه زندگی خانواده دارد. به عبارت دیگر، فرزندان مطالباتی مانند زمان و هزینه بیشتری را برای والدین پدید می‌آورند، که استرس را در والدین افزایش داده و به نوبه خود تاثیری منفی بر رضایت زناشویی آنان خواهد داشت. به نظر می‌رسد والدین در مرحله‌ای از زندگی که کودکان زیر شش سال (مرحله پیش دبستانی) و نوجوان دارند، افت میزان سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی را در مسائل زندگی تجربه می‌کنند، دیری نمی‌پاید که نوجوانی رخ می‌دهد و مطالبات نوجوان سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی والدین را به چالش می‌کشد. این تعارض با بزرگتر شدن فرزندان افزایش یافته و با خروج آن‌ها از خانه کاهش می‌یابد. با عبور از این مرحله و خروج نخستین فرزند از خانواده و نیز ورود به مرحله آشیانه بدون فرزند و سالمندی از این فشارها و چالش‌ها کاسته می‌شود.

در پی چنین تغییراتی خانواده، نوجوان خود را برای آموزش مهارت‌های اجتماعی جدید در برخورد با مسایل جدید پیش رو یاری کند و با خروج اولین فرزند از خانه و گذر از بحران نوجوانی، والدین می‌توانند روابط خود را با دوستان و اطرافیان مجدداً بازسازی کنند. این

یافته‌ها همسو با نتایج بسیاری از مطالعات قبلی از جمله مطالعه سلابی فرد، رافضی و حقیقت بیان (۱۳۹۳)، فتحی، اسمعیلی، فرحبخش و دانش پور (۱۳۹۴) و قادری، تبریزی و احقر (۱۳۸۸) است.

در تبیین این نتیجه که سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی زوجها پس از ورود اولین فرزند سیر نزولی دارد، در مرحله نوجوانی فرزند به حداقل می‌رسد و با مرحله آشیانه بدون فرزند دوباره سیر صعودی پیدا می‌کند، می‌توان گفت که پرورش و مسایل تربیتی فرزند ترکیب و اندازه شبکه اجتماعی والدین را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ وقتی فرزندان خیلی کوچک هستند، فراوانی تماس‌های اجتماعی والدین را کاهش می‌دهند و شاید تنها خویشاوندان نزدیک، شبکه اجتماعی والدین را تشکیل دهند. اما به طور منطقی می‌توان انتظار داشت که با بزرگ‌تر شدن فرزندان و کسب توانایی مراقبت از خودشان فرصت والدین برای برقراری تماس‌های اجتماعی افزایش یابد. با این وجود بحران ورود فرزند به مرحله نوجوانی می‌تواند در این مورد نیز روابط خانواده را تحت تاثیر قرار دهد. شاید نیازهای ارتباطی جدید نوجوان والدین را در روابط اجتماعی خود با مساله جدیدی مواجه می‌سازد. به نظر می‌رسد روابط خانواده مجدداً به ارتباطات درون خانواده هسته‌ای معطوف می‌شود تا بحران نوجوانی پشت سر گذاشته شود. تغییر در ساختار خانواده برای رویارویی با تکالیف دوره نوجوانی آن‌چنان مهم است که خانواده را از یک واحد پرورش دهنده و حمایت‌کننده فرزندان کوچک به مرکز اصلی آماده‌سازی نوجوان برای ورود به دنیای مسئولیت‌ها و تعهدات بزرگسالی تبدیل می‌کند که به نظر می‌رسد این تغییر شکل خانواده، تغییرات عمیقی در دیدگاه‌های شناختی زوجها ایجاد می‌کند.

پیشنهادها: پژوهش حاضر بر روی زوجین متقاضی طلاق در استان آذربایجان شرقی انجام شده است که به لحاظ علل تعارضات زناشویی و طلاق متفاوت هستند و همچنین محدود بودن نمونه و وجود تفاوت‌های فرهنگی، قومی و خانوادگی شرکت‌کنندگان محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت‌شناسی متغیرها ایجاد

- می‌کند که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به نقش این متغیرها توجه شود. همچنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود:
- در مطالعات آتی به تاثیر آموزش و مشاوره درمانی در روابط زوجین و فرزندان با والدین پرداخته شود؛
 - با توجه به افزایش مقادیر متغیرها و سازگاری زوجین در مراحل آغازین و پایانی چرخه زندگی زوجین متقاضی طلاق پیشنهاد می‌شود از آموزش مهارت‌های ارتباط با فرزندان و همسر برای بهبود وضعیت زناشویی زوجین در مراکز آموزشی و مشاوره در کارگاه‌های آموزشی پیش از ازدواج استفاده شود؛
 - با توجه به کاهش میزان متغیرها در زوج‌های دارای فرزند نوجوان، پیشنهاد می‌شود در پی چنین تغییراتی خانواده، نوجوان خود را برای آموزش مهارت‌های اجتماعی جدید در برخورد با مسایل جدید پیش رویاری کند تا با خروج اولین فرزند از خانه و گذر از بحران نوجوانی، والدین بتوانند روابط خود را با دوستان و اطرافیان مجدداً بازسازی کنند.
- سپاسگزاری:** از عزیزان شرکت کننده که در فرآیند انجام پژوهش صمیمانه همکاری داشته‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

منابع

- احمدی، خدابخش؛ فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۳). بررسی تأثیر روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی بر کاهش ناسازگاری زوجین. مجله روانشناسی. ۴(۸)، ۴۰۳-۳۸۹. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=27208>
- امانی، رزیتا (۱۳۹۴). مقایسه تعارض زناشویی در ساختار توزیع قدرت در خانواده. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۲). قابل بازیابی از: https://cwfs.ihu.ac.ir/article_201668.html
- آراین فر، نیره؛ پورشهریاری، مه‌سیما (۱۳۹۶). مدل معادلات ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و متغیر میانجی

- سبک‌های عشق‌ورزی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. ۸(۲۹)، ۱۳۴-۱۰۷. قابل
بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=355271>
- آقا یوسفی، علیرضا؛ فتحی آشتیانی، علی؛ علی اکبری، مهناز؛ ایمانی‌فر، حمیدرضا(۱۳۹۴).
اثربخشی ساختارگرایی بر تعارضات زناشویی، سبک‌های اسناد و بهزیستی اجتماعی.
دوفصلنامه روانشناسی بالینی و شخصیت. ۱۳(۲)، ۱۲۸-۱۱۵. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=302968>
- حاجی حیدری، زهرا؛ اسماعیلی، معصومه؛ طالبی، ابوتراب(۱۳۹۴). تعارضات زناشویی
زوجین فاقد فرزند در آستانه طلاق: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم
سلامت. ۴(۱)، ۲۱-۱۲. قابل بازیابی از:
<https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/541951>
- خیرالهی، محمد. جعفری، اصغر. قمری، محمد. وحیده، باباخانی(۱۳۹۸). «طراحی مدل
پیشینی انعطاف‌پذیری شناختی بر اساس تحلیل روند تغییرات چرخه زندگی در زوجین
متقاضی طلاق»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۰، ۳۹،
۱۸۰-۱۵۷. قابل بازیابی از: https://journals.atu.ac.ir/article_10144.html
- شجاعی، فاطمه؛ السادات جزایری، رضوان؛ احمدی، سید احمد؛ فاتحی‌زاده، مریم
السادات(۱۳۹۸). بررسی سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج بر اساس میزان سطح
تحصیلی در زوجین. فصلنامه فرهنگ و مشاوره و روان‌درمانی. ۱۰(۳۸)، ۱۳۴-۱۱۱. قابل
بازیابی از: https://qccpc.atu.ac.ir/article_9673.html
- عباسی، محمدباقر؛ علیزاده، مرجان؛ امیدوار شلمانی، صدیقه؛ حسینی، سیدمحمد؛ خطیبی،
آمنه؛ صفاکیش، محدثه(۱۳۹۷). طلاق در ایران. سازمان ثبت احوال کشور. تهران. قابل
بازیابی از: <https://nsoc.ir/post/single/5973/>
- فتحی، الهام؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ دانش‌پور، منیژه(۱۳۹۴). حیطه‌های
تعارض و استراتژی‌های حل آن در زوجین رضایت‌مند. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان
درمانی. ۶(۲۴)، ۵۴-۲۹. قابل بازیابی از:
<https://lib.wrc.ir/scholar/view/1/24500>

- فولادی، اصغر؛ شاه‌نعمتی گاوگانی، نویده (۱۳۹۴). بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی (تبریز). جامعه پژوهی فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (۲)۶، ۱۰۹-۹۳. قابل بازیابی از: http://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_2607.html
- قادری، زهرا؛ تبریزی، مصطفی؛ احقر، قدسی (۱۳۸۸). اثر بخشی خانواده درمانی ستیر بر تغییر سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی. مجله اندیشه و رفتار. ۳(۱۱)، ۶۷-۷۶. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=115484>
- کاظمیان، سمیه؛ شریعتی، سید صدرالدین؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۲). طراحی الگوی آموزشی حل تعارض خانواده: بر مبنای دیدگاه انسان‌شناسانه آیه الله جوادی آملی. ۴(۱۳)، ۳۴-۱۱. قابل بازیابی از: <https://www.magiran.com/author/%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1%20%D8%B3%D9%85%DB%8C%D9%87%20%DA%A9%D8%A7%D8%B8%D9%85%DB%8C%D8%A7%D9%86>
- نریمانی، محمد؛ عباسی، مسلم؛ بگیان کوله مرز، محمدجواد و بختی، مجتبی (۱۳۹۳). مقایسه اثربخشی دو رویکرد مبتنی بر آموزش پذیرش و تعهد و روان‌درمانی گروهی بر تعدیل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق. مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۱(۴)، ۲۸-۱. قابل بازیابی از: http://journals.uok.ac.ir/article_9646.html
- نصیری ده‌سرخی، راضیه؛ موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۴). مطالعه برخی همبسته‌های رضایت جنسی و رضایت زناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان. فصلنامه رویش روان‌شناسی. ۴(۲)، ۱۵۲-۱۳۵. قابل بازیابی از: http://frooyesh.ir/browse.php?a_code=A-10-115&slc_lang=fa&sid=1
- Amato, P. R., & Marriott, B. H., (2016). A Comparison of high- and low Distress Marriages that end in Divorce. *Journal of Marriage and Family*, (69)2. 621-638. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=219327>
- Bahari, F., (2011). Interpersonal relationship conflict management style and marital conflict divorce city of Esfahan. *Counseling Research and Developments*, (10)39. 125-38. [In Persian]. link: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/>
- Carmona, C., Buunk, A. P., Peiro, J. M., Rodriguez, E., Bravo, M. J., (2006). Do social comparison and coping styles play a role in the development of burnout? Cross-sectional and longitudinal

findings. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 79(1). 85-99. link:

<https://bpspsychub.onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1348/096317905X40808>

- Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N.,(2014). Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life. *Journal of Marriage and Family*,(76)5. 930-48. link: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4158846/>
- Claire, M. Kamp Dush., & Miles G. Taylor.,(2011). Trajectories of Marital Conflict across the Life course: Predictors and Interactions with Marital Happiness. link: <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0192513X11409684>
- De Vuijst, E., & et al.(2017). Cross-sibling effects on divorce in the Netherlands. *Journal of Advances in Life Course Research*,(34) 12, 1-9. Link: <https://www.researchgate.net/publication/319398374/>
- Carmona, C., Buunk, A. P., Peiró, J. M., Rodríguez, I., & Bravo, M. J.(2006). Do social comparison and coping styles play a role in the development of burnout? Cross-sectional and longitudinal findings. *Journal of Occupational and organizational Psychology*, 79, 85-99. link: <https://psycnet.apa.org/record/2007-14880-005>
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W.,(2000). The timing of divorce: predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*,(62)3. 737-745. link: <https://psycnet.apa.org/record/2000-05468-011>
- Heller, D., Watson, D., and Hies, R.,(2004). The role of person versus situation in life satisfaction: a critical examination. *Psychological Bulletin*,(4)13. 574-600. Link: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/15250814/>
- Lazarus, R. S., & Folkman, S.,(1984). *Stress, appraisal, and coping*. New York: Springer. Link: https://link.springer.com/referenceworkentry/10.1007%2F978-1-4419-1005-9_215
- Macfarlane, J.(2012). *Islamic Divorce in North America: A Shari'a Path in a Secular Society*. Oxford University Press. Link: <https://oxford.universitypressscholarship.com/view/10.1093/acprof:oso/9780199753918.001.0001/acprof-9780199753918>

-
- Nimtz, Mark. A.,(2011). Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: a phenomenological study. Doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University. Link:<https://digitalcommons.liberty.edu/doctoral/482/>
 - Peleg, O.,(2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life? *American Journal of Family Therapy*,(36)5. 388-401. Link: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01926180701804634>
 - Sbarra, D. A., & Coan, J. A.,(2017). Divorce and health: Good data in need of better theory. *Journal of Current Opinion in Psychology*,(13)2. 91-95. Link:<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/28813302/>
 - Siffert, A., & Schwarz, B.,(2010). Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to their subjective well-being. *Journal of Social and Personal Relationships*,(2)28, 262-277. Link: <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0265407510382061>
 - Troupe, F. Y.(2008). Marital Conflict: A Longitudinal Study.(Requirements for the degree of Doctor of Philosophy), The Florida State University, Florida <http://fsu.digital.flvc.org>
 - Vanden Bos, G. R.,(2007). APA dictionary of psychology. American Psychological Association. Link: <https://psycnet.apa.org/record/2006-11044-000>
 - Waring, E. M.,(2015). Enhancing Marital Intimacy through Facilitating Cognitive Self-Disclosure. Routledge Publication. Link:<https://www.routledge.com/Enhancing-Marital-Intimacy-Through-Facilitating-cognitive-Self-Disclosure/Waring/p/book/9781138004528>